

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روانشناسی زبان

با تاکید بر زبان فارسی

تدوین و تالیف : سید مصطفی طباطبائی

- فصل اول - روانشناسی زبان
 - مقدمه
 - تمایز زبان و گفتار
 - رابطه زبان و گفتار
 - فرضیه وورف
 - تولید و ادراک گفتار
 - تفاوت های فردی در زبان
 - زبان و حافظه
 - دوزبانگی و چند زبانگی
 - آسیب شناسی زبان
 - فراگیری زبان
 - دوره حساس زبان آموزی
 - زبان و نظامهای ارتباطی جانوری
- فصل دوم - ویژگی های زبان
 - جا به جایی
 - ویژگی قراردادی زبان
 - ویژگی تمایز
 - ویژگی دوگانگی
 - ویژگی خلاقیت
 - انتقال فرهنگی
 - خاستگاه زبان
 - خاستگاه طبیعی زبان
 - خاستگاه قراردادی زبان
- فصل سوم - اهمیت استنباط در درک زبان
- فصل چهارم - خواندن
 - اهداف خواندن
 - دوره مهارت و تسلط خواندن
 - انواع خواندن
 - عوامل موثر در خواندن
 - عوامل جسمانی و فیزیولوژیکی
 - عوامل رشد ذهنی و اختلالات روانی
 - عوامل عاطفی و هیجانی
 - عوامل تربیتی و آموزشی
 - محیط و شرایط کلاس درس
 - روش تدریس
 - تکنیک های خواندن
 - قرائت
 - اصول قرائت
 - صامت خوانی (مطالعه)
 - اهمیت فهم و سرعت در خواندن
 - روش های مطالعه

• فصل پنجم - راهکارهای مهارت خواندن

- حل مسئله
- بیان پیام اصلی متن
- بررسی جزئیات
- استخراج نتایج
- قضاوت و داوری
- تصمیم گیری
- دلیل آوردن
- تاثیرگذاری
- سرنخ های متن
- پیشگویی حوادث
- مقایسه کردن شباهت ها
- مقایسه کردن تفاوت ها
- تعمیم
- خلاصه کردن
- زبان تصویری
- همانند سازی
- استعاره سازی
- مبالغه کردن
- بیان دوباره ی سبک شخصی
- نام آوا
- قیاس کردن
- تسلسل حوادث
- طبقه بندی کردن
- بیان حوادث
- بیان عقیده و نظر
- عناصر داستان
- فضا و موقعیت
- شخصیت ها
- طرح و پیلوت
- فولکور و ادبیات عامیانه

• فصل ششم - نوشتن

- عوامل موثر در نوشتن
- مراحل نوشتن در دوره ابتدایی
- انواع نوشته ها
- نامه نگاری
- یادداشت برداشتن و خلاصه کردن
- گزارش دادن
- نوشته های ابداعی

• فصل هفتم - روانشناسی نثر

- انشا نویسی
- عربی گرایی
- سره نویسی
- فرنگی کاری
- نثر معیار
- بیماری نحو
- واژه سازی

• فصل هشتم - واحدهای زبان فارسی

- واج
 - صامت
 - مصوت
 - هجا
 - صامت میانجی
- تکواژ
- واژه
- ساختمان واژه
- گروه
- جمله
- اجزای جمله
- نقش های گروه اسمی
 - وابسته های پیشین
 - وابسته های پسین
 - وابسته های وابسته
- گروه فعلی
 - ساختمان فعل
 - گروه قیدی
 - ضمیر
 - صوت
 - حروف



فصل اول

روانشناسی زبان

روانشناسی زبان فارسی

روان شناسی زبان (**psycholinguistics**) نام شاخه علمی نسبتاً جدیدی است که از محل تلاقی زبانشناسی و روانشناسی جوانه زده است .

موضوع این علم **مطالعه جنبه های ذهنی زبان یا به بیان دیگر ، رابطه**

ذهن و زبان است .



تمایز بین زبان و گفتار

زبان عبارت است از :

مجموعه ای از قواعد که به آن دستور (یا گرامر) می گویند و نیز تعدادی واژه که واژگان زبان را تشکیل می دهد. قواعد دستوری و واژگان زبان ماهیت ذهنی دارند و در جایی از مغز ما که چون و چند آن هنوز به درستی روشن نیست نگهداری می شوند و مستقیماً در معرض مشاهده نیستند.

به بیان دیگر، زبان رفتار نیست.

1

گفتار

گفتار نمود یا حالت بالفعل زبان است و از این رو نوعی رفتار است که مستقیماً به مشاهده در می آید.

برعکس



فصل دوم

ویژگی های زبان

در هر زبان تعداد محدودی واژه وجود دارد که از راه اعمال تعداد محدودی قاعده بر روی آنها می توان تعداد نامحدودی جمله ساخت . بر مبنای استفاده از همین ویژگی زبان است که کودکان در حال رشد ، می توانند جمله هایی تولید کنند که هرگز از بزرگسالان نشنیده اند .

***ویژگی خلاقیت زبان را که منجر به تولید میزان نامحدودی جمله می شود ، «زایایی زبان» نیز می گویند**

چامسکی خلاقیت را قلب تپنده ی توانش زبانی می داند و معتقد است دریافت اصل مطلب از ظاهر گفتار و انطباق آن با موقعیت های گوناگون در تولید و درک ، به آن وابسته است .

نظام های ارتباطی حیوانات فاقد این ویژگی است . آنها تنها تعداد محدودی نشانه برای خبر کردن یکدیگر دارند و قادر به ابداع نشانه های جدید نیستند.

۱- خاستگاه قراردادی زبان : دیدگاه های مربوط به خاستگاه قراردادی زبان بر

اساس زمینه ای که بستر ایجاد و تکامل تدریجی قرارداد است ، با یکدیگر متفاوت اند :

✓ بعضی خاستگاه تکامل قراردادهای زبان را آواهای بازتابی مربوط به احساساتِ درد ، خوشی و شگفتی می دانند .

✓ گروهی دیگر ، بر جنبه های ارتباط اجتماعی و کار انسان تاکید می ورزند. بر این اساس ، زبان در اثنای کار و از راه تقلید از طبیعت به صورت دستگاهی از علائم که نشان دهنده اشیاء و کنش هاست ، تکامل یافت . در واقع اعمال انعکاسی اندام های صوتی به طور تصادفی با کوشش ها و کنش های عضلانی به هنگام کار توأم شده اند و به این ترتیب گفتار ، به تدریج تکامل یافته است . طبق این نظر ممکن است افرادی در اثنای کار گروهی مثلاً شکار در اثر احساس پیروزی یا شکست یا خستگی ، آواهای هماهنگی بر زبان آورده باشند و زمینهٔ اجتماعی آواهای هماهنگ ، بستر تکامل گفتار را برای ایجاد ارتباط هموار کرده باشد .

فصل سوم

اهمیت استنباط
در درک زبان

اهمیت استنباط در درک زبان

تفکر همان سخن گفتن است که وازده می شود و به صورت حرکات یا انقباضهایی خفیف در اندامهای صوتی ظاهر می شود و بر اساس شواهد موجود امروز ، زبان نه تنها شرط و تنها عامل موثر در تفکر نیست ، ولی قطعا عامل بسیار مهمی در این فعالیت ذهنی است . تفکر بدون زبان نیز امکان دارد ، ولی زبان دامنه آن را می گستراند و به آن ابعادی تازه می بخشد .





فصل چهارم

خواندن

اهداف خواندن



۲- اعتلای دانش و فرهنگ: خواندن وسیله ای برای اعتلای سطح دانش و فرهنگ فرد و جامعه است .

۳- تکامل شخصیت فرد: خواندن به عنوان وسیله مناسبی در جهت پر کردن اوقات فراغت و برای انبساط خاطر و رهایی از یکنواختی امور زندگی به کار گرفته می شود که سرانجام وسیله ای در جهت تکامل و باوروری شخصیت در فرد است.

۴- قضاوت فردی و اجتماعی: خواندن وسیله مناسبی برای شناخت ارزشهای حاکم بر فرد و جامعه است . جامعه ای که افراد آن خواننده خوبی باشند ، با دانشهای بشری در گذشته و حال آشنا می شوند و از این طریق می توانند درباره موقعیت فرد و اجتماع قضاوت و انتقاد نمایند . در این صورت ، چنین قضاوتهایی امکان رفع معایب و نواقص را فراهم نموده و منجر به تقویت محاسن و تکامل و پیشرفت بیشتر فرد و جامعه خواهد شد .



خواندن کتاب یا متنی به دو صورت
ممکن است انجام گیرد :

خواندن با صدای بلند که اصطلاحاً
«**قرائت**» نامیده می شود .

اول

خواندن بدون صدا یا صامت خوانی که خواننده با
گذراندن واژه ها از مقابل چشم خود خواندن را انجام
می دهد . این نوع خواندن «**مطالعه**» نامیده می شود.

دوم

اصول قرائت



۱- هدف متن یا نوشته را بداند .

۲- آشنایی کامل با موضوع و درک کامل مفهوم جملات

۳- مقصود و منظور نویسنده را به خوبی فهمیده باشد .

۴- حفظ تعادل جسمانی و روانی در جمع

۵- تلفظ صحیح تمام واژه ها

۶- قرائت متن با صدای رسا و خوش آهنگ

۷- نگاه به جمع را بر خواندن متن مقدم بدارد

۸- برای انتقال مفاهیم احساس مسئولیت کند.

۹- برقراری تعادل بین سرعت خواندن و درک مفهوم

فصل پنجم

راهکارهای مهارت خواندن

راهکارهای مهارت خواندن



متنی که دارای گره داستانی است خوانده می شود ، برای فراگیران پرسش های تفکر برانگیز مطرح می کنیم و بدین ترتیب آنها را تشویق به گره گشایی می کنیم .

۱- حل مسئله

متن را در اختیار دانش آموزان قرار می دهیم تا آن را بخوانند و بعد از تفکر ، پیام اصلی درس را بگویند .

۲- بیان پیام اصلی متن

تشخیص جزئیات شامل : مکان و فضای داستان ، قهرمانان و شخصیت های داستان ، رویدادها و پدیده ها و ...

۳- بررسی جزئیات

فراگیر متن را می خواند و پس از تحلیل ذهنی و بررسی قسمت های مختلف متن ، نتیجه گیری خود را در چند سطر اعلام می کنند .

۴- استخراج نتایج

فصل ششم

نوشتن

مراحل نوشتن در دوره ابتدایی



به طور خلاصه مراحل اولیه نوشتن با توجه به تفاوت ای فردی به قرار زیر است:

۱- مرحله به زبان آوردن ایده ها و افکار

۲- مرحله قالب ریزی و جمله بندی افکار و عواطف

۳- مرحله نوشتن جملات و عباراتی که مبین ایده ها و افکارند .

۴- مرحله بیان خلاق و ارائه افکار بدیع

در دبستان های ما بیشتر نوآموزان در مراحل سه گانه اول قرار می گیرند و گروه اندکی به مرحله بیان خلاق رسیده اند .

انواع نوشته ها



شکل متداول نوشته ها عبارتند از :

۱- نامه نگاری

۲- گزارش دادن

۳- یادداشت برداری و خلاصه نویسی

۴- نوشته های ابداعی شامل :

الف) توصیف کردن

ب) داستان نویسی

ج) سرودن شعر



فصل هفتم

روانشناسی نثر

روانشناسی نثر

نثر به معنای = نوشته و نوشتن . از نوشتن یک یادداشت ساده یک دو جمله ای گرفته تا نویسندگی هنری .

نکته : تفاوت روانشناسی شعر و روانشناسی نثر ؟ در شعر باید به تخیل دامن زد، اما در نثر - یعنی نثر غیرداستانی - باید به تخیل مهار زد .

مسئله که در مبحث روانشناسی نثر مطرح است این است که : به راستی چرا بسیاری از باسوادان «مشکل نوشتن» یا همان انشاء را دارند ؟ پاسخش ساده است .

زیرا بین ذهن و زبان افرادی که در نوشتن مشکل دارند ، شکاف یا شقاقی افتاده است. اینان درک نکرده اند که اصولاً نباید بین نوشتن و گفتن فرقی قائل باشند .

فصل هشتم

واحد های زبان فارسی

زبان : زبان نظامی است متشکل از علائم آوایی قراردادی که برای ایجاد ارتباط بین یک گروه اجتماعی به کار می رود و دارای سه زیر نظام است :

۱- آوایی ۲- دستوری ۳- واژگانی

زبان شناسی : زبان شناسی علمی است که زبان ملفوظ انسان را مورد مطالعه قرار می دهد و می توان آن را از شعبه های جامعه شناسی دانست .

شعبه های زبان شناسی عبارتند از :

دستور، لغت شناسی و آواشناسی .

دستور زبان : بخشی از زبان شناسی است که درباره ساختمان آوایی و صرفی و نحوی و معنایی زبان بحث می کند و دارای سه بخش عمده هستند .

۱- آواشناسی (نظام آوایی زبان) ، ۲- صرف (سازه شناسی ، نظام واژگانی) ، ۳- نحو

واحد های زبان از کوچکترین تا بزرگترین

تکواژ

واج

گروه

واژه

جمله

مطابق الگوهای هجایی زبان فارسی هیچ گاه دو مصوت کنار یکدیگر نمی آید. از آنجا که زبان فارسی ترکیبی است و با ترکیب تکواژها با هم، واحدهای دیگر ساخته می شوند، گاه دو تکواژی که انتهای یکی و ابتدای دیگری مصوت است می خواهند با هم ترکیب شوند در این صورت از صامتی به نام صامت میانجی استفاده می شود تا هر دو صدا حفظ شود.

مثلاً واژه «دانا» را می خواهیم با «ان» جمع ببندیم، با آوردن «ی» صامت میانجی بین دو مصوت کار

آسان می شود ← **دانایان**

انواع صامت های میانجی

۱- ی : خانه ی او ، کوی علوی ، درخت های بلند (deraxthāye boland)

۲- گ : ستارگان ، چیرگی (Čiregi)

۳- ا : رفته ای ، خانه ای (Xane?i)

۴- ج : ترشی جات ، سبزی جات (Sabzijāt)

۵- و : گیسوان ، آهوان (? Āhovān)

۶- ک : نیاکان ، پلکان (Pellekān)

فعالیت

نقش کلمات مشخص شده را پیدا کنید .

تیرانا ! من از طبیعت آموختم که همانند با درختان بارور - بی آنکه زبانی به کمتر داعیه ای گشاده باشم - سراسر کرامت باشم و سراپا گشاده دستی .

منادا نهاد

متمم

قید تاکید

تو نیز تیرانا ! گشاده دستی و کرامت را از درختان میوه بیاموز و از بوستان و پالیز که به هر بهار سراپا شکوفه باشی و پای تا سر گل و با هر تابستان از میوه های شیرین و سایه دلپذیر خستگان راه

مفعول

مفعول / معطوف

نقش اضافی

مسند

متمم

را میزبانی کریم باشی و پای فرسودگان آفتاب زده را نوازشگری درمان بخش دردها .

مسند

فعل اسنادی

مسند به باشی

این که می بینی فرزندان طبیعت همه خاموش اند و به جز مرغان نغمه سنج ، هر پرنده ای دیگر را

نهاد

نقش اضافه قید تاکید مسند به هستند

آوایی نیست مگر به گاه عشق ، از برای آن است که سرگرم شنیدن افسانه های دلپذیری هستند از

مسند به

نقش اضافی

نقش اضافی

فعل اسنادی

بس شنیدنی که هیچشان گریزی الا خاموشی نی .

وابسته های پیشین اسم

صفت اشاره

- « این ، آن ، همین ، همان ، چنین ، چنان » هرگاه پیش از هسته بیایند صفت اشاره هستند .
- مثال : این معلم ، همان درس ، چنین انسانی

صفت پرسشی

- « کدام ، چه ، چند ، چندمین » هرگاه قبل از هسته بیایند و پرسشی را مطرح کند، صفت پرسشی هستند .
- مثال : چه درسی را خوانده ای ؟ کدام فیلم را دیدید؟

صفت تعجبی

- « چه ، عجب » هرگاه قبل از هسته بیایند و تعجب و شگفتی را برسانند .
- مثال : چه گل زیبایی ! عجب هوای خوبی !
- نکته : «چه» هرگاه قبل از هسته مفهوم پرسش را بیان کند ، صفت پرسشی است و هرگاه شگفتی را برساند صفت تعجبی است .
- چه درس آسانی ! (صفت تعجبی)
- از این واقعه چه درسی گرفتی ؟ (صفت پرسشی)

– روانشناسی زبان با تاکید بر زبان فارسی ، تالیف سید مصطفی طباطبائی ، تهران ؛ لوح زرین ؛ ۱۳۹۱

با تشکر فراوان از زحمات استاد گرانقدر
جناب آقای سید مصطفی طباطبائی